فهرست

[اصول/ سیره عقلائیه 2](#_Toc118637740)

[پیشگفتار 2](#_Toc118637741)

[روش‌های اثبات سیره زمان معصوم 2](#_Toc118637742)

[روش اول: استقراء 2](#_Toc118637743)

[راه دوم: تحلیل وجدانی 3](#_Toc118637744)

[طریق سوم که ضرورت و حاجت 3](#_Toc118637745)

[راه چهارم: نقل تاریخی 3](#_Toc118637746)

[راه پنجم: امر مورد ابتلا 3](#_Toc118637747)

[راه ششم: عدم تحقق البدیل لسیره 3](#_Toc118637748)

[طریق هفتم: عدم کثرت سؤال 4](#_Toc118637749)

[نکته دوم: بررسی نهایی سلسله علل 5](#_Toc118637750)

[نکته سوم: سیره متشرعه یا سیره عقلا 6](#_Toc118637751)

[نکته‌ای در سیره متشرعه 7](#_Toc118637752)

[جمع‌بندی 7](#_Toc118637753)

بسم الله الرحمن الرحیم

# اصول/ سیره عقلائیه

# پیشگفتار

در احراز سیره معاصر دو مقام و مرحله بود یک مقام و مرحله احراز سیره در زمان خودمان بود، سیره در عصر خودمان را چگونه می‌توانیم احراز بکنیم که چهار طریق در متن آمده بود و ما با یک افزایش طریق ترکیبی گفتیم پنج راه متصور است

به اعتقاد ما آن طریق ترکیبی بیشتر مصداق داشت و کاشفیت بهتری هم دارد

این در مرحله اول بود و در آن راه‌های اثبات سیره را در زمان خودمان بررسی کردیم و فواید آن را هم اشاره کردیم

در مرحله دوم سخن این بود که چطور می‌شود سیره در عصر معصوم را می‌شود احراز و اثبات کنیم چگونه می‌توانیم الان بعد از هزار و دویست و سیصد سال بگوییم زمان معصومین سیره بر این امر استقرار داشته است

در اینجا باز مرحوم شهید صدر نکاتی فرمودند و اینجا یک تقریری منقح‌تر شده باشد گرچه اگر به بحوث مراجعه کنیم بعضی از جهات را در آنجا روشن‌تر و دقیق‌تر از آنچه در الفائق آمده است می‌بینید الفضل لمن سبق یعنی این باب را گشودن مال شهید صدر است و در بحوث آمده و ظاهر در حلقات هم آمده است که من مراجعه نکردم

در این مقام دوم که احراز سیره معاصر معصوم باشد با دشواری بیشتری مواجه هستیم برای اینکه باید بگوییم این سیره در هزار و دویست سال قبل وجود داشته است از این جهت کار دشوارتر است و درصد خطا خیلی بالاتر است

دیروز گفتیم اثبات سیره معصوم در زمان معصوم گاهی از این طریق سیره‌های امروزی و با کمک اینها می‌خواهیم آن را اثبات بکنیم و گاهی مستقیم می‌خواهیم سیره معصوم را در عصر خود اثبات بکنیم با قطع نظر این که الان هست یا نیست

این دو شیوه است که یکی غیرمستقیم است که از امروز می‌خواهیم به آن سمت برویم و یک شیوه مستقیم است که می‌گوییم آن زمان بوده است این سیره با قطع نظر از اینکه الان هست یا خیر حتی ممکن است بگوییم الان نیست.

# روش‌های اثبات سیره زمان معصوم

روش‌هایی که در کلمات مرحوم شهید آمده است و در اینجا شمرده شده است هفت تا است به این شکل نیست پنج مورد بیشتر نیست ولی در تضاعیف کلام و بین فرمایش‌های ایشان همه این هفت تا وجود دارد

چهارتا همان است که در مرحله اول هم بود که تکرار لازم نیست که آن چهارتا را با تقریر جدیدی اینجا اجرا می‌کند

## روش اول: استقراء

اول استقراء، یک استقرا نسبتاً گسترده‌ای که سیره را در زمان ما اثبات می‌کرد همان اینجا تقریر می‌شود منتهی با یک دایره وسیع‌تر و دشواری بیشتر می‌خواهد بگوید من استقرائم طوری انجام گرفت که با توجه تنوع زبان‌ها و فرهنگ‌ها آن وجه عقلایی را جوری کشف کردم که زمان‌های قبل هم مشمول این استقراء می‌شود مستقیم نیامد در دامنه استقراء ولی استقراء وسیع عصر خودمان ما را به یک نکاتی ریشه‌ای رسانده است که می‌گوییم این نکات دیگر اختصاص به این عصر و آن عصر ندارد این طریق اول که کار خیلی مشکل است حتماً باید این استقراء در عصر امروز با یک تحلیل وجدانی همراه بشود یا با ارتکاز قوی عقلایی یا شواهد دیگری که در ادله بعد آمده است.

## راه دوم: تحلیل وجدانی

که اینجا هم می‌شود اجرا کرد که باز هم در اینجا باید گفت اصل آن قبول ولی کار سخت‌تر است این تحلیل وجدانی که می‌خواهد راجع به یک سیره انجام بشود و از این زمان عبور بکند تا هزار سال قبل برود باید بسیار قوی‌تر باشد و بتواند نکات کلیدی را از ارتکاز بیرون بیاورد و این رفتار را با یک جنبه عقلایی بشری که در طول قرن‌ها ثابت است این دشواری بیشتری دارد.

طریق سوم که ضرورت و حاجت ب

و این قوی‌تر است منتهی مثل قدم راحت نیست دشواری بیشتری دارد باید احراز کند که این ضرورت و حاجت اختصاص به این عصر ندارد و در آن اعصار هم ضرورت و حاجت این بود که معاطات را بپذیرند در اثبات ملکیت در مقام معامله قاعده ید را بپذیرند. ضمن این که این حجیت ذاتی داشت.

## راه چهارم: نقل تاریخی

که نقل بشود وجود این سیره در عصر معصوم که عقلا یا متشرعه این‌جور رفتار می‌کردند این راه چهارم است که گزاره‌های تاریخی ما را به اطمینان برساند یا گزارش‌های معتبری باشد خبر و بینّه و امثال این یا شواهد پراکنده تاریخی از نقل‌های غیر معتبر جمع بشود در حدی که اطمینانی تولید بکند به‌هرحال آن نقل و خبر تاریخی معتبر باشد این هم راه چهارم بود

## راه پنجم: امر مورد ابتلا

که در اینجا آمده است ایشان در این متن جدا کرده است «الاستکشاف بتوسیط سیرة المعاصره لنا» اینکه می‌گوید با استفاده از سیره امروز ما بتوانیم به سیره عقلایی عصر معصوم برسیم بر اساس اینکه امر مورد ابتلاست همیشه مورد ابتلا بوده است و الان که هست آن موقع هم بوده است و این بیشتر به استقراء برمی‌گردد.

## راه ششم: عدم تحقق البدیل لسیره

 که مرحوم شهید صدر هم دارند عنوان آن این است «عدم تحقق البدیل لسیره» و بیان مرحوم شهید صدر این است که گاهی سیره‌ای وجود دارد که در یک امر مورد ابتلا و بسیار مهم که اگر آن سیره نباشد بایستی یک بدیل روشنی برای آن وجود داشته باشد برای اینکه اصل موضوع یک موضوع مورد ابتلا است نمی‌شود در آنجا سیره‌ای نباشد یا همین سیره‌ای که الان هست و به ذهن ما می‌آید آن زمان هم بوده است یا اگر این هم نبوده است باید چیز بدیل واضحی جعل می‌شد حالا خیلی واضح ظهورات کلامیه است اعتماد عقلا بر ظهورات در تفهیم و تفهم در مقام محاوره این روش عقلایی این است که به ظهور اعتماد می‌کنند در سخن و محاوره.

اگر این الان هست آن زمان هم حتماً بوده است اگر نبود اگر عقلا به این راه اعتماد به ظواهر پایبند نبودند باید یک بدیل محکمی برای آن قرار داده باشند یک زبان‌های رمزی وجود دارد سابق در زندان زبان رمزی داشتند و با آن تفهیم و تفهم انجام می‌شد. برای اینکه بشر نیاز به تفهیم و تفهم دارد خیلی واضح است اگر این اعتماد به ظهورات که در سیره عقلا هست نبود بایستی یک چیز دیگری برای آن قرار می‌دادند و آن بدیل برای اینکه اهمیت داشت و در همه زندگی سریان و جریان داشت باید به ما منتقل می‌شد نمی‌شود بگوییم یک راه دیگری عقلا در قرن اول و دوم و سوم هجری داشته‌اند برای تفهیم و تفهم و آن راه غیر از اعتماد بر ظهورات کلام بوده است و هیچ نشانی از آن نیست یک راهی بود و در تاریخ دفن شد.

این مثال یک مثال خیلی قطعی و واضح است اگر بخواهیم نقدی به این وارد کنیم این عدم تحقق بدیل غالباً جایی است که ضرورت و حاجت وجود دارد یعنی یک امری است که نیاز عقلا بوده است عقلا در مقام محاوره و تفهیم و تفهم عرفی نیاز به ظهورات عمل کنند

یا حتی قاعده ید و اماریت ید نسبت به ملکیت این نیاز بازار و معاملات و تعاملات است این استوار است به اینکه کسی چیزی را دارد بگوییم برای خود اوست اینجا اگر تردیدی روا بداریم نظام معاملاتی و تعاملات بشر فرومی‌ریزد

اینجا بدیل هم هست اگر چنین چیزی نبود یک بدیلی حتماً قرار داده می‌شد ولی خبری از بدیل نیست.

بنابراین عدم تحقق بدیل این دو نکته در آن وجود دارد یکی اینکه همه جا نیست و یک جاهای مهم این امر وجود دارد و نکته دوم اینکه این با بحث ضرورت و حاجت نزدیک است. نوعی مکمل آن است

## طریق هفتم: عدم کثرت سؤال

در صورتی که فرض بگیرید سیره بر استصحاب حال سابق در اموری که مورد ابتلا است و موافق طبع است طبع بشر این بوده است که حال ما سبق را استمرار می‌دهد

می‌گوییم این سیره حتماً آن زمان معصوم هم وجود داشته است یک چیزی که مورد ابتلا است و با طبع بشری توافق داشته است اگر مورد موافقت عقلا در آن زمان نبود باید درباره آن سؤال می‌کردند ده‌ها سؤال مطرح می‌شد و دغدغه ایجاد می‌شد آن دغدغه موجب طرح سؤالاتی می‌شد از اینکه می‌بینیم یک امری مورد ابتلا بوده است و اقدام طبق آن چیزی که ادعای سیره می‌کنیم موافق طبع هم هست مثل اماریت ید برای ملکیت یا استصحاب حال سابق، عقلا آن زمان را فرض بگیریم با این همراه نبودند این نیاز به این داشت که سؤالات زیادی مطرح بشود وعدم وجود سؤال درباره این امر نشان می‌دهد که عقلا این‌طور رفتار می‌کردند

و مرحوم شهید صدر این را قبول نمی‌کند ایشان این را طرح می‌کنند در الفائق گفته شده است که عدم سؤال وعدم دغدغه خیلی شاهد نیست بر اینکه حتماً این سیره وجود داشته است شاید احتمالات دیگری وجود داشته است و بر اساس آن سؤال نکرده‌اند.

آنچه در پایان بحث می‌خواهم بگویم چیزی شبیه آن است که در جهت ترکیبی سابق گفتیم

این راه‌هایی که اینجا گفته شد و ممکن است راه‌های دیگری هم پیدا بشود همه اینها هم درست است و هم نادرست است

ما برای اینکه بگوییم سیره‌ای در زمان معصوم وجود دارد یک مجموعه‌ای از شواهد داریم این شواهد غالباً باید ترکیب بشود تا انسان به یک اطمینانی نسبت سیره در زمان معصوم برسد.

غالب این راه‌هایی که در کلام شهید صدر آمده است و در کتاب الفائق هم تا حد هفت تا رسانده شده است غالب اینها تنهایی ما را به جایی نمی‌رساند ترکیبی از اینها می‌تواند ما را به اطمینانی به وجود سیره در عصر معصوم برساند.

و اینها ما باید به اطمینان و یا قطع برساند که وجود دارد و الا اگر در حد پایین از اینها باشد کافی نیست.

شواهدی که اینجا وجود دارد اینهاست که به شکلی این شواهد را عرض می‌کنم همین شواهدی که در این طرق مطرح بود

به اضافه اینکه ما گاهی شواهد تاریخی در آن نقل داریم و گاهی شواهد تاریخی پراکنده داریم که به تنهایی اعتبار ندارند ولی در آن تحلیل ترکیب بشوند تنظیم می‌شوند

بنابراین نقل‌های تاریخی و شواهد باستان‌شناسی اینجا نیامده، ممکن است شاهدهایی مثل معماری پیدا بشود مثلاً معماری جایی را تحلیل می‌کنند یا نقاشی را تحلیل می‌کنند یا شهرسازی را تحلیل می‌کنند یا لوح‌هایی که در زمانی درجایی وجود داشته است را تحلیل می‌کنند یا هنرهای آن زمان و اشعار و دیوان‌ها را می‌بینند و انواع مظاهر زندگی جمعی و تمدنی وقتی بررسی می‌شود از دل آن احتمالاتی به دست می‌آورد که آن زمان آن جور رفتار می‌کردند.

لازم نیست که حتماً سبک عقلایی عام همه اعصار باشد یک سبکی آن زمان داشتند و امام هم مقابل آن موضع نگرفته است بنابراین هیچ یک از این چیزهایی که اینجا گفته شده است غیر از ضرورت و حاجت که خود دلیل مستقل است بقیه شواهدی است و نشانه‌هایی است که اگر از ترکیب اینها به یک احرازی برسیم ارزش دارد و خیلی از اینها جدا ارزشی ندارد.

حتی بخواهیم یک تحلیل ذهنی مستقل انتزاعی را مورد توجه قرار بدهیم چندان ما را به احراز آن سیره نائل نمی‌کند یا عدم بدیل، عدم کثرت سؤال، هیچ‌کدام از اینها به تنهایی نمی‌تواند سیره در زمان معصوم را احراز بکند

اما ترکیب اینها مهم است بنابراین بیشتر می‌توان گفت اصالة التلفیق و الترکیب بین شواهد هستیم و الا هر یک از اینها را نمی‌توان دلیل مستقل پنداشت بلکه ترکیب اینها می‌تواند خیلی مؤثر باشد

ضمن اینکه بعضی از اینها به بعض دیگر نزدیک بود و غیر از اینها شواهد هنری، معماری و… را هم باید اضافه کرد و بازسازی جدیدی کرد و انواع شواهد را یک تنظیم جدیدی باید کرد، تک‌تک اینها نمی‌تواند به اثبات سیره بیانجامد این علی‌الاصول نیست باید ترکیب و تلفیقی از این‌ها انجام بشود که انسان را به یک قطع و اطمینان واضح و شفافی برساند بگوییم یک سیره‌ای وجود داشته است.

بعضی جاها شهید صدر فرموده است و اینجا خواسته‌اند اشکالی بکنند، یا ایشان یک اشکالی داشته است اینجا از آن عبور کرده‌اند و قبول کرده‌اند دلیل این است که اینها علی الاطلاق دلیلیت تام ندارد علی‌الاصول این‌جور است ولی این‌طور هم باشد که بگوییم شاهد را کنار می‌گذاریم و فایده ندارد در اینها شواهد صدقی وجود دارد عمده این است که در این ترکیب و تلفیق می‌شود به یک اطمینان و قطعی برسد.

# نکته دوم: بررسی نهایی سلسله علل

تجمیع این شواهد برای رسیدن به یک اطمینان نسبت به سیره عصر معصوم کثرت ابتلا خیلی مهم است اینکه موضوع کم تداولی باشد این شواهد را جمع هم کنیم نمی‌تواند ما را به یک اطمینان سیره برساند

اینکه موضوع مورد ابتلا در سطح وسیع باشد نکته خیلی مؤثر در قصه است و باید توجه کرد ولی درعین‌حال راه بسته نیست و می‌شود احراز کرد و غالباً با تجمیع شواهد است

ضمن اینکه آن تطور زندگی و احوال و حالات زندگی را باید مهم شمرد نباید کم شمرد ولی درعین‌حال در حدی نیست که راه را مسدود بکند و بگوییم تطورات زندگی بشر در طی قرون خیلی زیاد است بنابراین ما نمی‌توانیم از امروز به آن زمان راهی پیدا کنیم.

راه می‌شود پیدا کرد چه از طریق سیره‌ها که ما را ببرد به آن سمت و چه از راه شواهد مستقیم آن سیره‌ها را احراز کنیم این میسر است.

عمده این است که مجموع شواهد را بخواهیم جدا بگوییم دلیل است این خیلی محدود است یکی از اینها بخواهد دلالت تام بر وجود سیره بکند، سیره عقلاییه در عصر معصوم خیلی سخت است لذا جدا نمی‌شود ولی ترکیب اینها بیشتر مصداق دارد و می‌تواند احراز را خوب در حد اطمینان و قطع برساند. می‌توان مجموع شواهد را باز چینش کرد

# نکته سوم: سیره متشرعه یا سیره عقلا

این است که اگر بحوث را دیده باشید و الفائق یک تفاوت می‌بینید در بحوث مرحوم شهید صدر این بحث‌ها را در سیره متشرعه جاری کرده است اینجا بیشتر سیره عقلا است در بحوث وقتی ملاحظه کنید بیشتر مثال‌ها و تعابیر روی سیره متشرعه آمده است در اینجا سیره عقلا مطرح است این تفاوتی است که اینجا وجود دارد

سخن ما این است که کاربست این روش‌ها هم برای احراز سیره عقلا در زمان معصوم میسر است و هم این روش‌ها را می‌شود برای اثبات سیره عقلا در زمان معصوم به کار برد به اضافه برخی از شواهد دیگر که اشاره کردیم مثل شواهد تاریخی و هنری و معماری و هم اینکه اینها را می‌شود برای اثبات سیره متشرعه به کار برد منتهی با یک تفاوت‌های دیگر

اینکه متشرعه نماز روز جمعه را به شکل اخفات می‌خواندند یا جهر می‌خواندند این مثال را خود شهید صدر آورده است الان متشرعه نماز جمعه را با جهر می‌خوانند آیا می‌شود این را گفت در زمان معصوم هم همین‌طور بوده است و ناشی از معصوم است و در مرئی و منظر معصوم بوده است؟ الکلام الکلام

بنابراین نگران نباشید که کلام بحوث غالب تعابیر همان سیره متشرعه است و مثال‌ها تعدادی از همین قبیل است اما در الفائق می‌آیید همه بحث در این است که سیره عقلا زمان معصوم را چطور می‌شود اثبات کرد؟

فرقی نمی‌کند عمدتاً این طرق هم می‌شود برای احراز سیره عقلا در عصر معصوم به کار برد و هم با یک تفاوت رویکردی برای اثبات سیره متشرعه در زمان معصوم به کار برد هر دو مؤثر است

تفاوت این است که سیره عقلا ناشی از وجه عقلایی مشترک بین متشرعه و غیر متشرعه است مثل معاطات و ملکیت و ید اماره ملکیت است

سیره متشرعه در دایره اموری است که جنبه تشریعی دارد مثل جهر و اخفات در نماز، چیزهایی که از شرع ناشی شده است می‌خواهیم ببینیم این در زمان معصوم بوده است وعدم ردع بر این بزند یا خیر؟ باز از همین روش‌ها و راه‌هایی که اینجا گفته شده است استفاده می‌شود

بنابراین تهافتی خیلی نباید دید آنجا و اینجا.

## نکته‌ای در سیره متشرعه

این است که سیره متشرعه خود دوائری دارد یک سیره مسلمانان داریم به عنوان وجه عام مسلمانی و یک سیره خاص شیعه داریم آن هم خودش یک تفاوت‌هایی را ایجاد می‌کند.

# جمع‌بندی

امروز دو بحث اصلی داشتیم

۱- آنکه همه این طرقی که گفته شده است ارزش دارد ولی لا علی وجه الاطلاق عمدتاً در ترکیب ما را به نتیجه می‌رساند گرچه ممکن است در مواردی یکی از اینها ما را به نتیجه برساند ولی عمدتاً در ترکیب به نتیجه می‌رسیم.

۲- این است که این شواهد اختصاص به این هفت تایی که اینجا گفته شد ندارد انواع شواهد می‌شود استفاده کرد با استفاده از علوم مختلف، علوم اجتماعی و غیراجتماعی

۳- اینکه این روش‌ها را می‌شود کار برد هم برای اثبات سیره عقلا در زمان معصوم هم سیره متشرعه البته با یک تفاوت‌هایی که در اعمال این قواعد باید مورد توجه قرار داد.

مقام اول احراز سیره در عصر ما بود

مقام دوم احراز سیره در عصر معصوم بود

مقام سوم که در جلسه بعد صحبت می‌کنیم این است که سیره در زمان معصوم بود عدم ردع را چگونه می‌خواهید امضا بگیرید.

صلی الله علی محمد و آل محمد